

اما ایران سه ماه بیشتر اجازه خروج نمی‌دهد، در غیر این صورت اوراق هویتی‌اش باطل می‌شود و خانواده‌اش هم دچار مشکلاتی می‌شوند.

مسئله دیگر ناهماهنگی سیاست عمومی وزارت کشور و وزارت خارجه ایران است، وزارت خارجه قصد جذب و ارتباط دارد اما وزارت کشور اینگونه نیست.

علاوه بر این راه‌ها امنیت هم ندارند، مردم عادی از کابل به میدان نمی‌توانند بروند، در حالی که فقط ۱۰۰ کیلومتر فاصله دارند؛ این شرایط برای کسی که از ایران آمده باشد و کارت شناسایی ایرانی داشته باشد که بدتر است.

آیت الله هاشمی: روحانیت افغانستان در عرصه تبلیغ موفق بوده است، نهادهای حمایت‌کننده از جمهوری اسلامی اهتمام نسبی به خرج دادند که بتوانند از توان تبلیغی روحانیت شیعه در داخل افغانستان استفاده مثبت در جهت هدایت فکری مردم صورت

بگیرد؛ پیشاپیش این خط، خود نهادهای زیر نظر رهبری بوده است.

محور دومی که این دعا را ثابت می‌کند، جو غالب و رفتاری حاکم در افغانستان می‌باشد که به دست تفکر شیعه و روحانیت آن است، مخصوصا با توجه به رقبای قوی در عرصه فرهنگی و سیاسی افغانستان.

سوال درستی که به جای این سوالاتان باید پرسیده‌شود این است که عرصه تبلیغ برای

طلاب افغان ساکن در ایران کجاست؟ به نظر من پنج عرصه می‌باشد: یک مهاجران ساکن در ایران، دو مهاجران افغان خارج از ایران مثل اروپا، سه مردم خود جغرافیای ایران، چهار فضای مجازی و پنجم مردم داخل افغانستان در مورد مهاجران افغان در ایران باید بگویم، فرض کنیم رسمی و غیر رسمی ۳ میلیون نفر باشند، اگر برای هر ۱۰۰۰ نفر یک مبلغ نیاز باشند، برای این جمعیت حدود ۱۰ هزار نفر مبلغ نیاز داریم. نیاز مهاجران به تبلیغ بسیار شدید و قابل توجه است، چون در ایران هیچ نهاد فرهنگی خود را مسئول نسبت به مهاجران نمی‌داند. در حالی که مهاجران در ایران، از لحاظ آسیب‌پذیری بسیار ریسک بالایی را تجربه می‌کنند، مهاجرت افسردگی، اعتیاد، مشکلات اخلاقی و ناسازگاری با جامعه را ایجاد می‌کنند، در حالی که هیچ مُسکنی وجود ندارد. زیست دینی مهاجران را چه کسی باید پاسخگو باشد؟ غیر از روحانیون افغان از چه کسی این انتظار می‌رود؟ با این حال اگر برای هر هزار نفر، یک روحانی در نظر بگیریم، آیا آن وقت روحانی‌های فعلی کافی

است؟ اگر تمام سال هم تبلیغ کنند، باز هم کافی نیستند!

جوان افغان در حالی که مشکلات اقتصادی دارد، پرسش‌های فراوان اعتقادی و هویتی برایش بدون پاسخ می‌ماند اما چرا در بین مهاجران این عقده‌ها بروز نمی‌کند؟ حضور روحانیت در متن جامعه مهاجران توانسته است این مشکل را حل کند؛ روحانیت افغان هیچ جا هم برای تبلیغ نرود اگر نیاز مهاجران را حل کند، موفق است.

نجفی: همان طور که دوستان گفتند، طلاب افغان از گذشته تاکنون مشغول تبلیغ بوده‌اند و حتی در جاهایی که ایرانی‌ها حاضر به تبلیغ نبوده‌اند، تبلیغ می‌کنند.

علاوه بر این طبیعت مهاجرت، همراه با بزه است اما در جامعه مهاجران افغان چنین چیزی وجود ندارد. همه طلاب افغان هم به تبلیغ گرایش دارند اما طلبه خارج از جامعه المصطفی (ص) به خاطر این که پاسپورت ندارند، امکان رفتن به تبلیغ را ندارد، چون باید کارت پناهندگی‌اش را کنار بگذارد و پاسپورت بگیرد، قطعاً ویزایشان هم بعداً تمدید نخواهد شد و این نقص است.

باید تمهیدی اندیشیده شود که این طلبه بتوانند چندین بار برود و برگردد تا مردم افغانستان را بشناسد، نیاز مردم را ببیند، بعد برگردد و مطالعه کند. علاوه بر این، در کنار این رفت و برگشت چه بسا خیلی آمادگی اسکان در افغانستان را هم پیدا کنند اگر همراهشان خانواده باشد شاید بعد از چند بار دیدن افغانستان، خانواده‌ها هم آماده و راضی بشوند که به افغانستان باز گردند.

آیت الله علوی نژاد: همان طور که گفتند، طلبه‌هایی که در ایران مهاجرند، همه مشکلاتی که سایر مهاجران دارند، آن‌ها هم دارند.

حجت الاسلام فکوری: در حوزه مهاجرین، معمولاً تبلیغ برای آن‌ها، یک تبلیغ سنتی است، یعنی موکول می‌شود به بحث مناسبت‌های فردی که خواه و ناخواه طلاب حضور دارند، علاوه بر این در بخش آموزش هم طلاب حضور دارند، نمونه‌اش مدارس خودگردان، البته به صورت غیررسمی.

حجت الاسلام علوی: موضوع تبلیغ در بین مهاجران وجود دارد، همه طلبه‌ها در این حوزه فعالیت دارند، البته گاهی طلبه‌ای که خودش مهاجر است اما به نوعی هویت خودش را پنهان کرده، با عنوان مبلغ در جاهای دیگر هم تبلیغ دارند و خیلی هم مورد استقبال است.

حجت الاسلام فصیحی: نقش روحانیت از همان ابتدای ورود مهاجران به ایران پررنگ بوده است، مهاجران دو دیدگاه در موردشان بود، یکی مثل انصار و مهاجران و دیگری این که در اردوگاه‌ها باشند.

پیامدهای منفی حضور در جامعه میزبان را زیاد گفته‌اند، اما کمتر به پیامدهای مثبت اشاره شده است. یکی همین فرهنگ‌پذیری مهاجران از میزبان ایرانی است، نمونه‌اش در بحث تبلیغ هر چند به خاطر افغان بودن طلبه‌ها تبلیغ فرستاده نمی‌شوند اما توده مردم ایران به طلبه‌های مهاجر اعتماد کردند.

نکته دیگر این است که مهاجران از همه امکانات فرهنگی مثل صدا و سیما سخنرانی‌ها و سایر برنامه‌های فرهنگی کم یا زیاد استفاده کرده‌اند، این به نفع مهاجران بوده است.

یکی از کارهای مهمی که با همه مشکلات، علما و روحانیت افغانستان پای آن ایستاده‌اند، حفظ هویت افغان است، یعنی در مناسبت‌های مختلف با ارشاد و هدایت، هویت افغان را معرفی کردند، همچنین با برگزاری تظاهرات‌ها و تجمعات مختلف توسط روحانیون افغان.

آیت الله علوی نژاد: حدود سال ۶۰ سازمان تبلیغات، تعداد زیادی از مهاجران را برای تبلیغ ثبت نام و اعزام می‌کردند، خود من تا سال ۶۷ متصل می‌رفتم، دفتر تبلیغات هم تا دو یا سه سال قبل این اعزام‌ها را داشتند اما از این چند سال بخش‌نامه شده است که طلاب افغان از طرف سازمان و دفتر در داخل ایران، اعزام نشوند مگر نخبگانی که مردم متقاضی باشند.

خراسان: دلیل ممانعت چیست؟

آیت الله علوی نژاد: دلیل، همین سیاست انقباضی است که می‌خواهد مهاجران برگردند. جامعه مهاجران هم، خودشان مراکز فرهنگی مثل حسینیه‌ها و مسجد دارند، این‌ها مبلغین از خودشان دارند یا گاهی از افراد نامی‌تر دعوت می‌کنند.

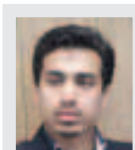
علاوه بر این، در خانه‌ها، به صورت جمع ۱۵ تا ۲۰ نفر، سخنران دعوت می‌کنند؛ در ایام محرم، صفر، رمضان؛ در این محافل هم طلبه‌های افغان حضور دارند.

آیت الله هاشمی: در مورد مباحث قبلی این نکته را باید بگویم که علاوه بر بحث امنیت و تنگناهای معیشتی و اقتصادی، مبلغینی که از ایران می‌روند، با سه مشکل سیاسی دیگر هم مواجه‌اند؛ اول تقابل تکفیری‌ها و دوم تقابل لیبرال‌ها و سوسیال‌ها به این دلیل که مبلغ ایرانی را حامل پیام می‌دانند. سوم قطب‌بندی‌های شدید سیاسی در لایه لای پنهان جامعه افغانستان که حاصل سه دهه جنگ است.



حجت الاسلام والمسلمین فکوری

اکثریت مطلق روحانیون و طلاب علاقه‌مند به حضور در افغانستان هستند؛ اما توان اقتصادی برای حضور در افغانستان را ندارند



حیدر نجفی

باید تمهیدی اندیشیده‌شود که این طلبه بتواند چندین بار برود و برگردد تا مردم افغانستان را بشناسد، بعد برگردد و مطالعه کند